



۲۰۱۶/۰۹/۱۸



قمریلا کرزی

خانواده و تأثیر آن در رفتار طفل

قسمت دوم

تعصب:

طرز بر خورد غیر منطقی افراد نسبت بیکدیگر و محترم نشمردن افکار و عقاید هم و دارا نبودن «سعه صدر» و قدرت تحمل افکار و عقاید مختلف علامت تعصب و نفوذ آن در رفتار افراد است. تعصب امری آموختنی است و ابتدا طفل از والدین و سپس از افراد هم سن خود آنرا می آموزد، طفل بدون توجه به نژاد، مذهب، طبقه و ملیت با اطفال دیگر مشغول بازی میشود، پدر و مادر برای اینکه فرزند خود را از بازی با اطفال که از لحاظ نژاد، مذهب، طبقه و یا ملیت با آنها فرق دارند ممنوع سازند او را مورد سرزنش قرار میدهند و ازین راه احساس نفرت در طفل نسبت بدیگران بوجود می آورند، اطفال در اثر تلقین والدین متوجه اختلاف خود با دیگران میشوند و تحت تأثیر افکار و عقاید ایشان، تمایلات نا مساعد نسبت به اطفال دیگر در ایشان ظاهر میگردد.

تعصب مانع تفاهم مشترک و بستگی افراد با یکدیگر است. تعصب در افراد، سبب جمود فکری و عدم استفاده از آثار زندگی جمعی است. اختلاف اطفال با سالمندان در تمایلات و میزان ها یکی از عوامل موجد تعصب در میان اطفال است. درین دوره اطفال نمی توانند مخالفت خود را بصورت دشمنی و حمله باو ابراز دارند و دنبال کسی میگردند که مخالفت خود را بصورت دشمنی و حمله باو ابراز دارند. چون قدرت مقاومت درمقابل پدر و مادر را ندارند متوجه اطفال هم سن میشوند و از میان اطفالی را انتخاب میکنند که در اثر تلقین والدین نسبت به آنها تنفر دارند. معمولاً اطفالی که از لحاظ عقیده، وضع اقتصادی یا موقعیت اجتماعی، در اقلیت قرار دارند و نمی توانند معامله بمثل کنند مورد حمله اطفال متعصب قرار میگیرند، تعصب باعث اضطراب و پریشانی خاطر افراد میشود و مانع رشد صحیح تربیتی آنهاست. اطفالی که در معرض تعصب دیگران قرار میگیرند متوجه احساسات خصمانه دیگران نسبت بخود میشوند و خود را کوچک فرض میکنند. موقعیت این اطفال در جمعیت ثابت نیست و شخصیت آنها دچار تزلزل میشود. این دسته از اطفال جرأت ابراز عقیده ندارند و گاهی خونسرد و مطیع استند و خود را تسلیم دیگران میکنند و در موارد خاص نسبت به همه بد بین میشوند و از طریق حمله و طغیان ناراحتی خود را ظاهر میسازند. تعصب نه تنها به صحت روانی شخص متعصب لطمه وارد می آورد بلکه مانع تأمین احتیاجات اساسی افراد میشود که در معرض تعصب قرار دارند. در دوره جوانی و بلوغ فرد رابطه و وابستگی شدیدی به گروهی همسن پیدا میکند گاهی این ارتباط احساسات خصمانه او را نسبت به گروه های دیگر بر می انگیزد افرادی که از لحاظ خانوادگی، وضع اقتصادی و اجتماعی و زمینه های دینی و عقیدتی با هم نزدیک استند معمولاً در یک گروه شرکت میکنند. علاقه بیک گروه دلیل بر تعصب افراد آن گروه نیست ولی وقتی افراد یک گروه نسبت به گروه ای دیگر احساس ترس، نفرت و دشمنی کردند درین صورت رفتار آنها نسبت به گروه دوم تعصب آلود خواهد بود. انضباط شدیدی که از طرف والدین اعمال میشود زمینه را برای ایجاد تعصب در اطفال مساعد می سازد. تحمیل عقاید و افکار به اطفال نیز آنها را بسوی تعصب سوق میدهد. افرادی که از لحاظ عاطفی احتیاجات آنها تأمین نمیشود یا اطفال که از طرف گروه طرد میشود زود تر از دیگران تحت تأثیر تعصب قرار میگیرند اطفال که شخصیت آنها در خانه متزلزل شده است بخود اعتماد ندارند و برای خود ارزشی قابل نیستند بیشتر دچار تعصب میشوند.

برای رفع تعصب فامیل، مکتب، جامعه باید کار نمایند اطفال را با اصول و مبانی دیموکراسی آشنا سازد با استفاده از نظریات علمی آنها را متوجه اختلاف افراد کند و از طریق شرکت دادن اطفال در کار های جمعی آنها را وادار سازد که به عقاید یکدیگر احترام و وقیت اجتماعی او در گروه و یا جمعیت استوار باشد.

خصوصیاتی که افراد را مورد توجه گروه قرار میدهد یا آنها را در نظر دیگران محبوب و موجه میسازد در دوره های مختلف فرق میکند. قبل از بلوغ معمولاً اطفال آرام و مطیع و آنها بیکه مزاحم دیگران نمیشوند در میان گروه

د پانو شمیره: له ۱ تر ۴

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پادونه: دلیکنی د لیکنیزی بڼې پاروالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په خیر و لولئ

محبوبیت پیدا میکنند. در دوره های بلوغ افراد پر سرو صدا، شجاع و آنهایی که میتوانند دیگران را سر گرم نمایند در میان گروه محبوبیت دارند. آنچه که افراد بالغ را در میان گروه همسن و سال محبوب میسازد محبت بدیگران، شرکت در کار های جمعی، مصاحبت مسرت بخش و نشاط انگیز، فعالیت، خوش خلقی، پاکیزگی، دعوت دیگران بکار های مثبت، ارایه دادن پیشنهادات مفید، ابتکار و غیره می باشد. اطفالیکه در کار تحصیلی اغلب دچار شکست میشوند و در ارتباط با دیگران با مشکل خاص رو برو استند کمتر مورد پذیرش افراد گروه قرار میگیرند آنهایکه در زندگی خصوصی احساس عدم امنیت میکنند و اوقات خود را با نا راحتی و پریشانی بسر میبرند و در موقع تماس با جمعیت نمیتوانند درست با افراد دیگر تفاهم ایجاد کنند و روی همین اصل کمتر در میان گروه محبوبیت پیدا میکنند. افرادی که در میان گروه محبوب استند در زندگی خصوصی نیز آرام و شاد میباشند. باید توجه داشت که محبوبیت میان گروه همیشه دلیل بر رشد عقلانی و اجتماعی افراد نیست بعضی از کودکان برای جلب نظر دیگران آنچه را که از طرف گروه گفته میشود بدون چون و چرا میپذیرند ولی برای خود اهمیت و ارزشی قایل نیستند ایندسته از کودکان ممکن است فقط برای جلب توجه افراد خاص کوشش کنند ولی از بسر بردن با اطفال بیگانه تفر داشته باشند. اطفالیکه در میان گروه خود و یا دیگر گروه ها چندان محبوب نیستند و کمتر مورد پذیرش گروه قرار میگیرند معمولاً متجاوز، جنگجو، بیعلاقه به مکتب و درس میباشند. اطفالیکه در فعالیت های جمعی شرکت نمی کنند و مهارت های اجتماعی را فرا نمی گیرند در نتیجه از طرف گروه طرد میشوند و خود را کوچک فرض می نمایند. اطفالیکه مورد توجه گروه یا گروه استند از صحت و سلامت، رشد عاطفی برخوردار میباشند و موفقیت آنها نیز قابل توجه است بر عکس اطفال مطرود که غالباً با مشکلاتی عاطفی رو برو استند و در تحصیل اغلب موفق نمیشوند. پس فامیل، معلم، محیط باید مراقب روابط اجتماعی اطفال باشند و به آنها کمک کنند که موقعیت اجتماعی خود را استوار سازند و از طریق فرا گرفتن مهارت های اجتماعی توجه گروه یا اطفال دیگر را بخود جلب نمایند.

تشکیل گروه ها یا گروه ها

در صنوف اول مکتب بخاطر داریم که معمولاً اطفال با کسانی نزدیک می نشینند که قبلاً با آنها آشنایی و شناخت داشته از یک کوچه یا محل و یا اقارب اند این شکل مدت ها دوام میکند تا اطفال در بازی ها اشتراک میکنند و دوستانی می یابند که تمایلات یکسان دارند و دارای استعداد و ذوق های مشابه اند. در دوره بلوغ گروه ها به وابستگی های بزرگتر برای خود مییابند و پناه فرا تر می نهند به گروه های مذهبی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جا می گیرند. گاهی تشکیل گروهی از نظر والدین پنهان صورت میگیرد. عامل اصلی در تشکیل گروه احتیاجات اساسی افراد است.

آنچه معلم باید انجام دهد:

معلم بعنوان رهنما و آموزگار با اطفال سر و کار دارد و باید نقش رهنما را در میان آنها بعهده بگیرد، او باید ببیند اطفال در چه مرحله از رشد هستند و بستگی و ارتباط آنها با گروه درین مرحله بچه صورت است آنگاه معلم میتواند منحصیث ارنما چه نوع ارتباط را در گروه برقرار کند که از خصومت و نارضایتی و بی اعتنائی اطفال مقابل همدیگر جلوگیری کند. اگر معلم خود را به اطفال نزدیک سازد و میان خود و آنها تفاهم مشترک ایجاد کند درین صورت اطفال او را بعنوان یک رهنمای دلسوز تلقی می کنند و از مخالفت با او خود داری مینمایند. معلم باید اطفال را برسمیت بشناسد موقعیت او را درک کند و فعالیت های گروهی را بعنوان وسیله ای برای رشد افراد مورد استفاده قرار دهد. وقتی معلم، خود را مانند یک عضو در گروه شاگردان وارد سازد مقاصد و احتیاجات آنها را خوب درک کند و میل و تمایلات اطفال را نقطه شروع کار های تربیتی قرار دهد در اینصورت میتواند در توسعه گروهی، در انتخاب هدف، در تهیه نقش و برنامه در تقسیم کار، قبول مسؤلیت و در ایجاد فرصت برای هر یک از اطفال به تناسب استعداد و میل آنها با ایشان کمک کند.

تفاهم مشترک میان معلم و شاگردان و میان خود شاگردان وقتی بصورت واقعی ایجاد میشود که روابط آنها مطابق اصول دموکراسی باشد، معلم و شاگرد به نظر احترام بهم نگاه کنند، همکاری را وسیله تأمین احتیاجات فردی و رفاه جمعی قرار دهند، روش عقلانی را در تمام فعالیت های تربیتی بکار برند و هر یک از افراد حق بحث و اظهار نظر در باره ای مسایل مختلف را داشته باشد، در چنین محیطی میتوان بستگی و ارتباط گروهی را وسیله برای رشد اجتماعی، عقلانی و عاطفی اطفال قرار داد.

احتیاج به بیان و ابراز خود:

یکی از احتیاجات روانی افراد « ابراز خود » Self expression است. هر فردی از افراد بشر در هر وضع و مرحله ای باشد منظور از ابراز خود ارایه افکار و عقاید خود ب دیگران است. هر کس به تناسب فهم و تجربیات خود امور و وقایع را بطرز خاصی درک میکند و میل دارد درک و نظر خود را در باره آنها ابراز دارد افراد در رشته های مختلف مشغول فعالیت استند و هر یک در انجام کار در بر خورد با مردم، در رفع مشکلات شخصی، در تربیت فرزندان، در اداره معاش و در پیشرفت و ترقی خود را یا وسیله ای تازه ای را پیدا میکند و میل دارد فرصت داشته باشد این راه یا وسیله تازه را در مقابل دیگران ارایه نماید.

چنانچه گفته شد یک از دلایل علاقه و میل فرد به گروه فرصتی است که گروه برای « ابراز خود » در اختیار افراد میگذارد. گاهی این احتیاج بوسیله احترام بخود; Self-esteem; اعتماد بخود; Self-confidence; اطمینان به کفایت یا Self-adequacy انجام بوسیله خود Self-fulfillment ظاهر می گردد. فرد برای حفظ احترام خود و یا بمنظور ظاهر ساختن اعتماد بنفس میل دارد محصول فکر و ذوق خود را در اختیار دیگران بگذارد و بدین وسیله لیاقت خود را نشان دهد و ب دیگران بفهماند که میتواند مستقلاً کاری را انجام دهد یا عقیده مخصوصی در باره امری داشته باشد.

افراد برای حفظ شخصیت و احترام خویش یا برای نشان دادن لیاقت خود میل دارند منفرداً برای حل مسئله ای نقشه بکشند، از امکانات استفاده نمایند، راه حل های مختلفی را پیدا کنند و از میان آنها را انتخاب نمایند و مستقلاً به حل مسئله مورد بحث اقدام کنند. میتوان گفت احتیاج با استقلال نیز تا حدی ارتباط نزدیک با احتیاج با ابراز خود دارد کسی که مستقلاً زمام امور خود را در کف میگیرد و میل دارد در انتخاب کار هدف، رفیق و سرگرمی شخصاً تصمیم بگیرد و در عین حال میخواهد نشان دهد که فردی لایق و کار آزموده است و شخصیت او قابل احترام میباشد. احتیاج با ابراز خود و تأمین آن از جهات مختلف قابل مطالعه است. افراد در هر مرحله از زندگی کم و بیش با مشکلاتی رو برو هستند گاهی باسانی مشکلات را از میان بر میدارند؛ در بعضی موارد بر خورد ب مشکلات هرأسناک هستند و زمانی با تحمل سختی و مشقت زیاد به حل مشکل توفیق پیدا میکنند؛ در اینگونه موارد است که میل دارند با دیگران صحبت کنند و دیگران را نیز از وضع خود آگاه سازند. ابراز خود وسیله ای مؤثری برای تسکین الام درونی افراد است. فرد وقتی در باره ای مشکلات خود با دیگران صحبت کرد و از همدردی و رهنمایی آنها بر خوردار شد نا راحتی او کم میشود همانطوری که معروف است درد خود را با دیگران در میان گذاردن و نگرانی های درونی را برای آنها نقل کردن فشار درد را کم میکند و اضطراب و تشوش فرد را تسکین میدهد.

ایجاد فرصت برای ابراز خود راه را برای پیدایش افکار و عقاید تازه، روشهای جدید و ابتکار افراد هموار میسازد. هرچه افراد بیشتر فرصت ابراز عقیده داشته باشند افکار و عقاید تازه بیشتر ظاهر میگردد. همانطوری که یک شاعر میل دارد قطعه ای را که ساخته و محصول ذوق و تمایلات و افکار اوست برای دیگران بخواند یا یک عالم میل دارد فرضیه یا تیوری خاصی را که در باره یکی از مسأله علمی پیدا کرده است برای دیگران نشان دهد همینطور افراد معمولی نیز میل دارند در مواقع مختلف در باره مسأله اظهار نظر کنند و رأی و عقیده خویش را ابراز نمایند.

احتیاج به امنیت، هدف و نظم:

از جمله احتیاجات اساسی روانی افراد احتیاج به امنیت است امنیت در جهات مختلف زندگی برای تمام افراد بشر امر حیاتی و ضروری است. امنیت در زمینه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و عقیدتی عامل مؤثری در صحت روانی افراد میباشد وقتی روابط اعضای یک خانواده بصورت دیکتاتوری باشد پدر یا مادر در تمام کار ها حق اظهار نظر و دخالت داشته باشد و دیگران بدون چون و چرا موظف به اجرای دستور وی باشند در چنین خانواده ای طفل دائماً در حال ترس و وحشت بسر می برد و دچار تشویش و اضطراب میباشد خانواده های که از لحاظ اقتصادی در وضع نا بهنجاری بسر میبرند و قادر به تأمین غذای کافی برای فرزندان خود نیستند اطفال آنها ازین جهت نیز نا راحت استند و احساس عدم امنیت میکنند. اطفالی که یکی از والدین خود را از دست داده اند یا در اثر جدایی والدین از یکدیگر یا بخاطر نداشتن خواهر و برادر از محبت محروم هستند و کسی نیست که در خانه آنها را مورد نوازش قرار دهد

د پانو شمیره: له ۳ تر ۴

افغان جرمن آنالین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بڼي پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولی

ازین لحاظ امنیت خاطر آنها متزلزل میشود و دائماً در نا راحتی بسر میبرند. همینطور وضع اطفال یا افرادی که در اثر خصوصیات اخلاقی یا عدم آشنایی به امور اجتماعی نمیتوانند وضع خود را در گروه مشخص کنند یا از طرف گروه طرد میشوند دائماً در نا امنی بسر میبرند.

معلم باید متوجه تمام اطفال باشد وضع آنها را در گروه و خانواده مورد مطالعه قرار دهد و اقداماتی بعمل آورد تا موجبات اطمینان خاطر و آرامش درونی تمام اطفال فراهم گردد

یکی از عوامل مؤثر در صحت روانی افراد مشخص بودن هدف آنها در زندگی است هر کس در زندگی میل دارد از هدف و یا اهداف معینی پیروی نماید. هدف جهت کار و فعالیت و ارتباط افراد را در جامعه مشخص میسازد هدف انسان را به فعالیت های متنوع وامیدارد و محرک انسان در جریان زندگی است. هدف زندگی و فعالیت های مربوط به آنرا معنی دار میسازد و همین امر در ایجاد آرامش و سکون خاطر مؤثر است. فردی که در زندگی هدف معینی ندارد دلیل تلاش و کوشش خود را نمیداند آینده روشنی ندارد و ازین لحاظ در حال تزلزل و نا امنی بسر میبرد زندگی برای چنین فردی بی معنی و فاقد ارزش است چنین فردی دائماً در حال افسردگی و یأس عمر خویش را سپری میسازد.

پایان قسمت دوم

د پانو شمیره: له ۴ تر ۴

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پاروالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خبر و لولئ